

نقش انرژی در توسعه روابط روسیه و ترکیه*

سید اسدالله اطهری*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

شعیب بهمن

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه دوستی ملل مسکو

محمد رضا علیپور

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۰ - تاریخ تصویب ۱۳۹۱/۶/۲۰)

چکیده

روابط روسیه و ترکیه در یک دهه گذشته با رشد و توسعه فزاینده‌ای روبرو بوده است. بر خلاف دوران جنگ سرد که نگرش‌های حاکم بر روابط ترکیه و اتحاد شوروی از اصول ایدئولوژیک ناشی می‌شد، در سال‌های اخیر منافع اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک و همچنین شرایط جدید جهانی شدن نقش تعیین کننده‌ای در این روابط داشته‌اند. در میان عوامل متعددی که در سال‌های اخیر بر روابط روسیه و ترکیه تأثیر گذاشته‌اند، عامل انرژی اهمیت بسیار زیادی دارد. همکاری در حوزه انرژی، نقش مهمی در ترویج اعتماد متقابل و ایجاد روابط خوب میان این دو کشور داشته است. از این رو در این نوشتار کوشش شده به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که «چه عاملی نقش تعیین کننده در توسعه روابط روسیه و ترکیه در یک دهه اخیر داشته است»؟

کلید واژه‌ها

روسیه، ترکیه، انرژی، ژئوپلیتیک، نابوکو، اروپا

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی سیاست و حکومت در خاورمیانه است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان و با نظارت دکتر ابو محمد عسگرخانی انجام پذیرفته است.

* Email: a_athary@yahoo.com

مقدمه

در سال‌های اخیر، روابط ترکیه و روسیه از جنبه‌های مختلف کمی و کیفی نسبت به گذشته تغییر کرده است. به‌شکلی که رقبا و حتی دشمنان قدیمی، امروز به‌عنوان شریک‌های راهبردی نامیده می‌شوند. با توجه به سابقه نه چندان مناسب روابط روسیه و ترکیه از نظر تاریخی و همچنین روابط تنش‌آلود دو کشور در دهه ۱۹۹۰، سطح بالای همکاری‌های دو کشور در یک دهه اخیر نشان می‌دهد که ترکیه و روسیه یک گام بلند را در جهت اعتمادسازی متقابل برداشته‌اند. در یک دهه اخیر رهبران دو کشور، دیدارهای بسیار زیادی با یکدیگر داشته و سعی کرده‌اند روابط تاریخی خصمانه را به فراموشی بسپارند. در این میان، نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که «چه عاملی نقش تعیین‌کننده در توسعه روابط روسیه و ترکیه در یک دهه اخیر داشته است»؟

بر این اساس با تأکید بر نقش جهت‌گیری نخبگان حاکم و دیوان‌سالاری دولتی، همکاری‌های منطقه‌ای و عامل بین‌المللی، فرضیه این بحث چنین تبیین شده است که «انرژی به‌دلیل تأثیر فزاینده‌ای که بر سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه و ترکیه دارد، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه روابط دو طرف در یک دهه اخیر داشته است». از این‌رو در ادامه، نخست به بررسی روابط تاریخی ترکیه و روسیه در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی خواهیم پرداخت و روابط دو کشور را در دو دوره پیش و پس از به‌قدرت رسیدن پوتین در روسیه و حزب عدالت و توسعه در ترکیه را بررسی، سپس دیدگاه‌های موجود در سیاست خارجی ترکیه و روسیه نسبت به یکدیگر را مطالعه خواهیم کرد. در ادامه بحث، موضوع انرژی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر روابط روسیه و ترکیه مورد توجه قرار خواهد گرفت.

روابط تاریخی ترکیه و روسیه

بیشتر مورخان، زمان آغاز رسمی روابط دیپلماتیک روسیه و ترکیه را ۳۰ اوت ۱۴۹۲ می‌دانند که ایوان سوم، یک گروه تجاری را به دربار سلطان بایزید دوم امپراتور عثمانی فرستاد. اگرچه نخستین سفارت خانه روسیه در سال ۱۷۰۱ در استانبول گشایش یافت، با این حال دو کشور در دوره‌های مختلف تاریخ، دشمن یکدیگر به‌شمار می‌آمدند. امپراتوری عثمانی و روسیه

در مجموع ۱۲ بار با یکدیگر جنگیده‌اند که آخرین درگیری نظامی میان آنها به جنگ جهانی اول باز می‌گردد.

اگر چه با فروپاشی امپراتوری عثمانی، اتحادیه جمهوری سوسیالیستی شوروی نخستین کشوری بود که استقلال ترکیه را به رسمیت شناخت؛ اما پس از رخداد جنگ جهانی دوم و دو قطبی شدن نظام بین‌الملل، آنکارا در طول جنگ سرد به بلوک غرب پیوست و به عضویت سازمان ناتو درآمد. این درحالی بود که روسیه به‌عنوان رهبر و مرکز اتحاد شوروی و بلوک شرق عمل می‌کرد. همین دوگانگی سبب شد که روابط مسکو و آنکارا به شدت تیره شود و دو کشور دوباره به مدت ۴۰ سال دشمن یکدیگر محسوب شوند. می‌توان روابط روسیه و ترکیه را در سال‌های پس از فروپاشی شوروی به دو مرحله پیش و پس از روی کار آمدن پوتین در روسیه و اسلام‌گراهای حزب عدالت و توسعه در ترکیه تقسیم کرد.

الف- دوران تیرگی روابط

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، دیدارهای پیاپی و بسیاری بین مقام‌های روسیه و ترکیه شکل گرفت. این دیدارها با سفر حکمت چتین، وزیر امور خارجه وقت ترکیه در اواخر ژانویه ۱۹۹۲ به مسکو آغاز شد و کمتر از یک ماه بعد آندره کوزیرف، وزیر خارجه وقت روسیه به آن پاسخ گفت. در دیدار سلیمان دمیرل نخست‌وزیر ترکیه از مسکو در روزهای ۲۵ و ۲۶ مه ۱۹۹۲، پیمان تبیین خطوط کلی روابط ترکیه و فدراسیون روسیه به امضا رسید. اگرچه این پیمان سنگ بنای روابط دو کشور شد و نمادی از عزم مسکو و آنکارا برای ارتقای روابط دو جانبه بود؛ با این حال فراز و نشیب در روابط دو کشور همچنان ادامه یافت. در سال ۱۹۹۵ تنش‌های سیاسی میان مسکو و آنکارا بسیار افزایش یافت. در آن سال، سفرهای پی در پی مقام‌های ترکیه به جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز و به دنبال آن برگزاری سومین نشست سران جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان، قرقیزستان و ازبکستان تحت عنوان «نشست کشورهای ترک‌زبان» در قرقیزستان، موجب تشدید حساسیت‌های مسکو شد. سخنان تند رهبران وقت ترکیه علیه دولت روسیه نیز بر شدت حساسیت‌ها افزود و این اقدام آنکارا تلاشی برای ترویج اندیشه‌های ترک‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز بود. بوریس یلتسین در پاسخ به نشست ترک‌زبان‌ها در بیشکک، پارلمان در تبعید کردهای ترکیه را در مسکو تشکیل داد. این عمل سبب

احضار سفیر روسیه به وزارت خارجه ترکیه شد و روابط دو کشور تیره‌تر از پیش شد. در مجموع در سراسر دهه ۱۹۹۰ روسیه و ترکیه کاملاً در دو اردوگاه متضاد قرار داشتند. در بیشتر سال‌های این دهه، روس‌ها ترکیه را به حمایت از شورشیان و جدایی‌طلبان چچنی متهم می‌کردند و ترک‌ها نیز نسبت به پشتیبانی روسیه از کردها معترض بودند (Korepin, 2011). افزون بر این، مناقشه قره باغ، موضوع بوسنی، کوزوو و چچن به علت رابطه مذهبی ترکیه با مسلمانان منطقه و همچنین پیوندهای تاریخی با منطقه بالکان و قفقاز، موقعیت ترکیه در ناتو و مسائل مربوط با گسترش این پیمان به شرق در عمل دو کشور را در برابر یکدیگر قرار داده بود.

ب- دوران بهبود روابط

پس از روی کار آمدن پوتین در روسیه و همچنین «حزب عدالت و توسعه»^۱ در ترکیه، روابط دو طرف با بهبود مواجه شد. بخشی از این بهبود روابط به نیازهای دوجانبه مسکو و آنکارا به یکدیگر مربوط می‌شد و بخش دیگر از نوعی دستور کار اوراسیاگرایانه در هر دو کشور ناشی می‌شد. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در جریان گفت و گوهای خود با رهبران ترکیه از آنها خواست نهادهای خیریه‌ای را که به گفته مسکو برای شبه نظامیان مسلمان جدایی طلب چچن پول و اسلحه تهیه می‌کردند، سرکوب کند. از سوی دیگر ترکیه نیز از روسیه خواست تا «حزب کارگران کردستان ترکیه» (پ.ک.ک) را به عنوان یک سازمان تروریستی مورد شناسایی قرار دهد (RIA Новости, 2011).

مهم‌ترین نتیجه این دیدار، اعلام «افزایش دوستی و شراکت چند بعدی» بود که نشان می‌داد حجم زیادی از منافع مشترک و اعتماد دوجانبه قالب توجهی میان دو کشور به وجود آمده است. از آن پس، دیدارهای مقام‌های رده بالای سیاسی بین آنکارا و مسکو به شکل چشمگیری افزایش یافت. میانه سال ۲۰۰۵ ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و اردوغان نخست وزیر ترکیه در مورد حمایت از مواضع یکدیگر در برابر موضوع چچن و کردها به توافق رسیدند و به ابراز نگرانی مشترک از تروریسم و تجزیه‌طلبی پرداختند. در همان سال روسیه با حمایت ترکیه به عنوان عضو ناظر به سازمان کنفرانس اسلامی پیوست (Korepin, 2011).

1. Justice and Development Party (AKP)

در ۱۲ مه ۲۰۱۰ مدودیف در رأس یک گروه بلند پایه از ترکیه دیدن کرد. در این دیدار توافقات مهمی مانند لغو صدور روادید برای سفر شهروندان دو کشور به یکدیگر، افزایش مبادلات تجاری، توسعه سرمایه‌گذاری دوجانبه به‌ویژه در حوزه انرژی و بستن قرارداد ساختن نیروگاه برق هسته‌ای در ترکیه صورت گرفت. همچنین دو کشور تصمیم گرفتند «شورای همکاری برای سطح بالاتر»^۱ را تشکیل دهند. افزون بر این، ترکیه در دسامبر ۲۰۱۰، در سند امنیت ملی خود که از آن با عنوان «کتاب سفید» نیز یاد می‌شود و هر ۵ سال یکبار مورد بررسی و تجدید نظر قرار می‌گیرد، روسیه را از فهرست کشورهایایی که برای آنکارا تهدید محسوب می‌شوند، خارج کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۷، صص ۱۲۲-۱۰۳).

در حال حاضر همکاری‌های اقتصادی میان روسیه و ترکیه، به یکی از مهم‌ترین محورهای روابط دو کشور تبدیل شده است. تا میانه دهه ۱۹۹۰ مبادلات تجاری میان روسیه و ترکیه از رونق چندانی برخوردار نبود و تجارت دو طرف در وضعیت موازنه بود. اما با افزایش روابط اقتصادی دو کشور، اکنون روسیه بزرگترین شریک تجاری ترکیه و آنکارا نیز هفتمین شریک بزرگ مسکو است. روسیه در سال ۲۰۰۸ به اولین شریک تجاری ترکیه تبدیل شد. حجم تجارت دو جانبه در سال ۲۰۰۸ حدود ۳۵ میلیارد دلار بود. اگر چه پیش‌بینی می‌شد حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۲۰۰۹ به دلیل بحران جهانی اقتصاد حدود ۴۰ درصد کاهش پیدا کند؛ با این حال بر خلاف پیش‌بینی‌ها، حجم مبادلات روسیه و ترکیه افزایش یافت. بر این اساس حجم تجارت خارجی مسکو و آنکارا در سال ۲۰۰۹ حدود ۱۵/۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و هر دو کشور ابراز امیدواری کردند که سطح مبادلات تجاری خود را در ۵ سال آینده به ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش دهند. صادرات ترکیه به روسیه در سال ۲۰۱۰ با جهشی ۴۴/۷ درصدی معادل ۴/۶ میلیارد دلار شد. در همین سال واردات روسیه به ترکیه نیز افزایش ۱۱ درصدی داشت و به ۲۱/۵ میلیارد دلار رسید.

آخرین آمار نشان می‌دهد که حجم تجارت دو کشور در سال ۲۰۱۱ نیز نسبت به سال قبل با افزایش چشمگیری روبرو بوده است. چنانکه صادرات ترکیه به روسیه افزایش ۶۹/۳ درصدی و صادرات روسیه به ترکیه، رشد ۱۳/۹ درصدی داشته است (Today's Zaman, 2011). بخش مهم این افزایش را فروش انرژی روسیه به ترکیه تشکیل می‌دهد.

خط لوله انتقال گاز طبیعی روسیه به ترکیه، سبب سنگینی موازنه تجاری دو طرف به سود روسیه شده است. افزون بر نفت و گاز، کالاهای ساخته شده و مصرفی به همراه فلزات و مواد شیمیایی در بالای فهرست صادرات روسیه به ترکیه جای دارند. صادرات ترکیه به روسیه را نیز وسایل نقلیه، منسوجات، محصولات غذایی و محصولات شیمیایی تشکیل می‌دهند (РИА Новости, 2011). افزون بر این، روسیه نسبت به صدور تسلیحات و جنگ‌افزار به ترکیه نیز علاقه نشان داده است. چنانکه در سال‌های گذشته، موضوع فروش تجهیزات نظامی از جمله هلیکوپترهای جنگی، سیستم‌های موشکی اس ۳۰۰ و اس ۴۰۰، موشک‌های میان برد و ساختن سیستم دفاع هوایی برای ارتش ترکیه مطرح بوده است (Aras, 2009, p. 6).

از سوی دیگر ترکیه، در سال‌های اخیر سعی کرده با افزایش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در روسیه به جبران تراز تجاری منفی خود پردازد. در حال حاضر حدود ۲ هزار شرکت ترکیه‌ای در روسیه فعالیت می‌کنند که سرمایه‌گذاری کل آنها معادل ۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود (Today's Zaman, 2011). همچنین سرمایه‌گذاری روس‌ها نیز در ترکیه حدود ۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود. افزون بر این، دو کشور در دسامبر ۲۰۱۰ به توافقی دست یافتند که انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری متقابل را به بیش از ۲۵ میلیارد دلار افزایش دهد. ارزش قراردادهای امضا شده میان ترکیه و روسیه در یک دهه اخیر به بیش از ۱۷ میلیارد دلار رسیده است که از گسترش روابط اقتصادی حکایت می‌کند (Korepin, 2011). افزون بر این، صنعت گردشگری نیز نقش مهمی در روابط اقتصادی دو کشور ایفا می‌کند. ترکیه محبوب‌ترین مقصد گردشگران روسی است. در سال ۲۰۱۱ حدود ۳/۵ میلیون نفر از شهروندان روسیه به ترکیه سفر کردند.

دیدگاه‌های موجود در ترکیه و روسیه نسبت به یکدیگر

الف- دیدگاه روس‌ها به ترکیه

در میان روس‌ها، تصویر سنتی ترکیه همواره نگران کننده بوده است. روس‌ها همواره به این کشور به عنوان جانشین امپراتوری عثمانی، متحد آمریکا و عضو ناتو نگریسته‌اند. در روسیه دو دیدگاه متضاد نسبت به روابط با ترکیه شکل گرفته است. دیدگاه نخست که

متعلق به ملی‌گرایان افراطی و چپ‌های کمونیست است که ترکیه را همچنان در اردوگاه غرب می‌بیند و برقراری روابط دوستانه با این کشور را چندان مناسب نمی‌داند. همکاری نزدیکی با غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و عضویت در ناتو، به همراه غرب‌گرایی ترک‌ها در دوران جنگ سرد، از جمله عواملی هستند که سبب به‌وجود آمدن دیدگاه منفی ملی‌گرایان و کمونیست‌های روسیه نسبت به آنکارا شده است. از نظر آنها، به چند دلیل بسیار مهم، احتمال ندارد ترکیه از غرب رویگردان شود. نخست آنکه هدف‌های ترکیه و روسیه به‌ویژه در قفقاز (منطقه‌ای که هر دو کشور منافع راهبردی عمیق و دیرینه‌ای دارند) متناقض هستند (تیشه‌بار، ۱۳۸۶، ص ۶۱).

دوم آنکه ترکیه در زمینه دفاعی به تجهیزات نظامی غرب وابسته است و اکنون تقریباً کل نیروی هوایی ترکیه از هواپیماهای آمریکایی تشکیل شده است. بر این اساس با وجود آنکه در سال‌های گذشته، چند معامله تسلیحاتی بین آنکارا و مسکو صورت گرفته است، با این حال گرایش به سلاح‌های ساخت روسیه برای ترکیه دشوار بوده و از توانایی عملیات مؤثر ترکیه با متحدانش در ناتو خواهد کاست. سومین عاملی که سبب عدم رویگردانی ترکیه از غرب می‌شود، این نکته است که تجدید گرایش به روسیه، در تضاد با غربی کردن ترکیه است که از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۳۲ توسط آتاتورک سنگ بنای سیاست آن کشور بوده است. در واقع چنین امری به معنای انحراف از اصول بنیادین طرفداران مصطفی کمال پاشا است و احتمال دارد با مخالفت بخش مهمی از ترک‌ها به‌ویژه نظامی‌های بلند پایه روبرو شود که خود را پاسدار میراث آتاتورک می‌دانند (Larrabee, 2011, p. 112).

دیدگاه دوم درباره روابط روسیه و ترکیه متعلق به اوراسیاگرایان است. برخی از اوراسیاگرایان معتقد هستند که در صورت تداوم و گسترش روابط ترکیه و روسیه، این احتمال وجود دارد که آنکارا در آینده سطح همکاری‌های خود را با ناتو کاهش داده و به همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای با مشارکت روسیه علاقمند شود. بنابر این دیدگاه، ترک‌ها در زمینه هویت ملی و همچنین منافع ملی خود حساسیت زیادی نشان می‌دهند و نسبت به نیت‌های دیپلمات‌های غربی بدبین هستند. زیرا نباید این واقعیت را از یاد برد که ترکیه چندین قرن از سیاست‌های غرب رنج برده و در نهایت بخش‌های بزرگی از امپراتوری عثمانی در بالکان، خاورمیانه و

قفقاز را از دست داده است. حتی دولت نوین ترکیه نیز پس از جنگ جهانی اول توسط دولت‌های متخاصم اروپایی و از جمله یونان تقریباً از هم پاشیده شد و تنها به دلیل مقاومت آن کشور به رهبری آتاتورک نجات یافت. بر این اساس اوراسیاگرایان روسی معتقد هستند که تجربه‌های تاریخی سبب پیدایش احساس قدرتمند ملی‌گرایانه و ضدامپریالیستی در مردم ترکیه شده و این احساس تنها به این علت تا حدودی تعدیل شده است که آن کشور سرانجام توانسته با اخراج قدرت‌های غربی در سال ۱۹۲۱، قدرت و استقلال خود را دوباره بدست آورد.

ب- دیدگاه ترک‌ها نسبت به روسیه

در ترکیه نیز چهره سنتی روسیه به دلیل جنگ‌های تاریخی عثمانی‌ها با تزارها و همچنین خاطره‌های منفی دوران جنگ سرد، بیشتر به عنوان دشمن نگاه می‌شود. با این حال اکنون رویکردهای مختلفی در مورد شکل رابطه با روسیه وجود دارد که از میان آنها، سه دیدگاه اهمیت دارد.

دیدگاه اول، روسیه را یک شریک راهبردی و مهم می‌داند و در پی تقویت روابط با مسکو است. این دیدگاه بیشتر از سوی طرفداران ایده‌های اوراسیاگرایی مطرح می‌شود که خواستار جدایی کامل ترکیه از غرب و حرکت به سوی شرق هستند. از نظر اوراسیاگراها، کشورهایی مانند روسیه، ایران، چین و هند به همراه مناطقی مانند خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، باید به اولویت سیاست خارجی ترکیه تبدیل شوند.

به طور کلی در دو دهه گذشته، با توجه به فروپاشی اتحاد شوروی، یکبار دیگر اهمیت راهبردی منطقه اوراسیا در ترکیه برجسته شده است. به ویژه که برخی از ترک‌ها، منطقه اوراسیا را حوزه جدیدی برای گسترش نفوذ و تقویت کننده اهمیت راهبردی آنکارا برای غرب در نظر می‌گیرند. از این رو بیشتر شرق‌گرایان و اوراسیاگرایان معتقد هستند که سیاست خارجی ترکیه افزون بر خاورمیانه، باید در آسیای مرکزی و قفقاز نیز به شدت فعال باشد. در سال‌های اخیر، گسترش روابط با خاورمیانه به همراه افزایش روابط با آسیای مرکزی و قفقاز، به عنوان راهی برای جبران ناکامی‌های ترکیه در ورود به اتحادیه اروپا مطرح شده است (Meral & Paris,

(2010, pp. 75-86) بر اساس چنین دیدگاهی، روابط با روسیه هم می‌تواند انگیزه‌های جالب توجه و هم منافع بی‌شمار داشته باشد.

دیدگاه دوم به هیچ وجه روابط مسکو و آنکارا را مورد قبول نمی‌داند. تکیه اصلی هواداران این دیدگاه به دلیل‌های تاریخی زیر سبب شده روسیه در میان ترک‌ها جایگاه مناسبی نداشته باشد:

۱. از نظر تاریخی، تصویر به نسبت بدی از روسیه در میان مردم ترکیه وجود دارد. افکار عمومی ترک‌ها هنوز از سیاست‌های تجاوزکارانه تزارها در سده‌های گذشته تنفر عمیقی دارد و مردم ترکیه هرگز جنایت‌های روس‌ها علیه کشورشان را فراموش نمی‌کنند. روسیه برای مدت بیش از ۵۰۰ سال، عامل تهدید تمامیت ارضی ترکیه بود و در فروپاشی امپراتوری عثمانی نیز نقش مهمی داشت. روسیه بعدها در قالب اتحاد شوروی نیز به شکل جدی استقلال و تمامیت ارضی ترکیه را تهدید می‌کرد،

۲. ترکیه به سبب روابط نزدیک با غرب نمی‌تواند متحد خوبی برای مسکو باشد. در واقع آنکارا به دلیل عضویت در پیمان ناتو، رابطه و دوستی عمیق با واشنگتن و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا هرگز نمی‌تواند شریک راهبردی خوبی برای روس‌ها باشد،

۳. منافع روسیه و ترکیه به‌ویژه در حوزه انرژی متعارض است. این تعارض به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز به‌خوبی نمایان است،

۴. نزدیکی ترکیه به روسیه، از نظر ایدئولوژیکی و سیاسی با تفکرهای غرب‌گرایانه آنتاتورک در تضاد است. بر اساس این دیدگاه، روسیه و ترکیه هرگز نمی‌توانند در درازمدت به برقراری روابط پایدار و دوستانه بپردازند.

دیدگاه سوم، روسیه را جایگزینی در برابر غرب می‌بیند. به عبارت دیگر باید به روسیه، مانند کشوری نگاه شود که اگر روابط آنکارا با غرب دچار چالش جدی شد، آنگاه به سمت مسکو حرکت کند (Larrabee, 2009, p.10).

انرژی، تأثیرگذارترین عامل در روابط روسیه و ترکیه

با توجه به پیش‌زمینه‌های تاریخی و دیدگاه‌هایی که در ترکیه و روسیه نسبت به روابط با یکدیگر وجود دارد، به نظر می‌رسد چند عامل نقش تأثیرگذاری در روابط دو کشور دارند. در

یک دسته‌بندی کلی می‌توان این عوامل را به «نخبگان حاکم و دیوان‌سالاری دولتی»، «همکاری‌های منطقه‌ای»، «عامل بین‌المللی یا غربی» و «انرژی» تقسیم کرد.

در این میان در سال‌های گذشته، معادله‌های مربوط به انرژی نقش مثبتی در گسترش روابط اقتصادی و سیاسی روسیه و ترکیه داشته است. روسیه تأمین‌کننده دوسوم گاز مورد نیاز ترکیه است و انرژی ۷۶ درصد از صادرات مسکو به آنکارا را تشکیل می‌دهد. ترکیه در سال ۱۹۸۶، قراردادی برای خرید ۶ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از روسیه برای مدت ۲۵ سال امضا کرد. قرارداد مشابهی نیز برای خرید ۸ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در سال ۱۹۹۸ بسته شد. افزون بر قراردادهای دوجانبه جهت خرید و فروش انرژی، دو کشور طرح‌های زیادی نیز برای انتقال انرژی روسیه از راه ترکیه به اروپا دارند. بر این اساس روسیه و ترکیه از جهت داشتن ذخایر قابل توجه سوخت و انرژی، راهروی حمل و نقل و انتقال دریایی و زمینی سوخت از تأمین‌کنندگان منابع انرژی مناطق دریای خزر، آسیای مرکزی و خاور نزدیک به مصرف‌کنندگان اروپایی، نقش برجسته‌ای در نقشه انرژی جهان دارند. همکاری‌های چند جانبه در حوزه انرژی، نقش مرکزی در روابط روسیه و ترکیه دارد. این همکاری‌ها را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد:

۱. تجارت حامل‌های انرژی مانند گاز طبیعی، نفت و فرآورده‌های نفتی،
۲. قراردادهای پیمانکاری برای ساخت و ساز واحدهای انرژی (تأمین تجهیزات و خدمات)،
۳. همکاری شرکت‌های روسی و ترک در طرح‌های حوزه انرژی کشورهای دیگر (کرمی و نجفی، ۱۳۹۰، صص ۶۶-۶۵).

از سوی دیگر، همکاری‌های دو کشور در حوزه انرژی تنها به انرژی‌های فسیلی ختم نمی‌شود. در سال‌های گذشته، مسکو برای فروش رآکتورهای اتمی به ترکیه و تأمین سوخت آنها اعلام آمادگی کرده و ترکیه نیز از آن استقبال کرده است.

الف- راهبرد انرژی روسیه و جایگاه ترکیه در آن

روسیه با داشتن بیش از ۳۳ درصد گاز طبیعی، ۱ درصد نفت خام، ۲۰ درصد ذغال سنگ و ۱۴ درصد اورانیوم، در مجموع مالک نزدیک به یک پنجم منابع انرژی در جهان است و به این واسطه از جایگاه کاملاً ممتازی برخوردار است (Трутнев, 2012, p. 62). به

همین سبب نیز روسیه، برای حفظ و کنترل روابط خود با طرف‌های دیگر، حساب زیادی روی موضوع انرژی باز کرده و راه‌کارهای خاصی را در نظر گرفته است. بر این اساس می‌توان حفظ انحصاری و گسترش بازار اروپا را مهم‌ترین راهبرد کنونی روسیه در حوزه انرژی دانست. در این راستا روسیه در راهبرد انرژی خود، دو رویکرد را به صورت هم‌زمان دنبال می‌کند:

۱. تأمین امنیت و متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی: اگر چه طرح مورد علاقه اروپا کشیدن خط لوله نابوکو و استفاده از منابع گاز ترکمنستان، ایران و آذربایجان است، اما روسیه مدعی است که می‌تواند هدف‌های «سیاست متنوع ساختن منابع تأمین انرژی اروپا» را از راه متنوع ساختن خطوط لوله انتقال گاز و همچنین متنوع ساختن مسیرهای انتقال گاز به قاره قدیم تأمین کند (بهمن، ۱۳۹۰، صص ۱۶-۱۷).

نقشه مسیر خطوط لوله نابوکو، جریان شمالی و جریان جنوبی



(سارگس، ۲۰۰۹، ص ۱۸)

۲. از بین بردن امکان صادرات گاز از هر منبع دیگر به قاره اروپا: روسیه تلاش می‌کند امکان صادرات گاز از هر منبع دیگر به قاره اروپا را از بین ببرد. بر این اساس سعی می‌کند گاز صادراتی ترکمنستان را از مسیر شمال به خاک خود انتقال دهد. قیمت‌های پیشنهادی روسیه برای خرید گاز ترکمنستان از حدود قیمت‌های گاز منطقه و قیمتی که ایران به آن کشور می‌پردازد، بیشتر است. از سوی دیگر، روسیه به دنبال باز کردن دست چین در منابع گاز ترکمنستان و سرازیر کردن بخشی از این منابع گازی به شرق آسیا، به جای ارسال آن به اروپا است.

با همین انگیزه روسیه همه امکانات سیاسی و راه‌کارهای تجاری را با هدف کاهش صادرات گاز ترکمنستان به ایران نیز بکار می‌گیرد. روس‌ها معتقد هستند در صورت کاهش و یا قطع صادرات گاز ترکمنستان به ایران، جمهوری اسلامی ایران مجبور به تأمین نیازهای مصرف داخلی گاز خواهد شد و در نتیجه ظرفیت صادرات گاز را از دست خواهد داد. ضمن آنکه با وجود این راه‌کارها، روسیه ترجیح می‌دهد که در صورت داشتن امکان صدور گاز انرژی صادراتی ایران به جای اروپا، راهی پاکستان شود. از این نظر روسیه ضمن تشویق ایران به ادامه تدارکات برای اجرای طرح «خط لوله صلح» پیشنهاد داده است که در راه کشیدن این لوله سرمایه‌گذاری کند.

مجموع این موارد نشان می‌دهد روسیه حاضر است برای تسلط بر بازارهای انرژی اروپا، نفوذ خود در بازارهای دیگر را کاهش دهد. اهمیت قاره اروپا در آیین امنیت ملی و سیاست خارجی روسیه سبب شده که مسکو به انرژی به عنوان ابزاری مهم در پیشبرد هدف‌های سیاست خارجی نگاه کند. در این میان ترکیه به چند دلیل برای روسیه نقش و اهمیت بسیار زیادی دارد. نخست آنکه روسیه به ترکیه همچون راهروی بسیار مهم برای انتقال انرژی خود به بازارهای اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا می‌نگرد و نسبت به گسترش خط لوله موجود بین دو کشور علاقه نشان می‌دهد. تحقق این هدف به روس‌ها اجازه می‌دهد بی‌آنکه به گذر از تنگه بسفر نیاز باشد، انرژی خود را به فراسوی مدیترانه عرضه کنند.

بنابراین ترکیه می‌تواند به‌عنوان مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا عمل کند. دلیل دوم اهمیت ترکیه برای روسیه در حوزه انرژی به این موضوع باز می‌گردد که آنکارا می‌تواند در

روند ساختن خطوط لوله که نفت و گاز منطقه خزر و خاورمیانه را به اروپا انتقال می‌دهند، کارشکنی کند. در واقع با توجه به علاقمندی اروپا به متنوع کردن منابع و مسیرهای تأمین گاز و نفت، استفاده از مسیر ترکیه به بهبود موقعیت روسیه در رقابت با خطوط لوله دیگر مانند نابوکو کمک خواهد کرد. در نتیجه ترکیه برای روسیه اهمیت بسیار زیادی در موضوع انتقال انرژی دارد.

ب- جایگاه روسیه در راهبرد انرژی ترکیه

در سال ۲۰۰۸ وزارت امور خارجه ترکیه راهبرد ملی انرژی این کشور را منتشر کرد. در این سند بر تبدیل شدن ترکیه به کانون و انتقال انرژی آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه، بالکان و روسیه به اروپا تأکید شده بود. از آن پس، سیاست خارجی ترکیه بیش از پیش در جهت تحقق این هدف کوشیده است. اینک خطوط انتقال نفت و گاز متعدد در ترکیه وجود دارد.

- مسیرهای مهم انتقال نفت در ترکیه

۱. «خط لوله کرکوک - جیحان» که در سال ۱۹۹۷ ساخته شد و ظرفیت ۱/۶ میلیون بشکه در روز را دارد. این خط لوله به دلیل قدیمی و فرسوده بودن بارها با مشکلات بسیار روبه رو شده است

۲. «خط لوله باکو - تفلیس - جیحان» که در سال ۲۰۰۵ به بهره‌برداری رسید و ظرفیت نهایی آن ۱ میلیون بشکه در روز است. این خط لوله که از آن با عنوان «پروژه قرن» یاد می‌شد و قرار بود نفت دریای خزر را به دریای مدیترانه منتقل کند، اینک با چالش‌های زیادی مواجه شده است. به شکلی که دولت جمهوری آذربایجان از سال ۲۰۱۱، پمپاژ نفت در این خط لوله را به دلیل کاهش حجم استخراج نفت در میدان نفتی «آذری - چراغ» واقع در مخازن دریای خزر کاهش داده است. واقعیت آن است که ساخت این خط لوله، از ابتدا هم اقتصادی ارزیابی نمی‌شد، اما با حمایت‌های آمریکا که قصد داشت انحصار انرژی روسیه را در منطقه از بین ببرد و مسیر ایران را نادیده بگیرد، ساخته شد.

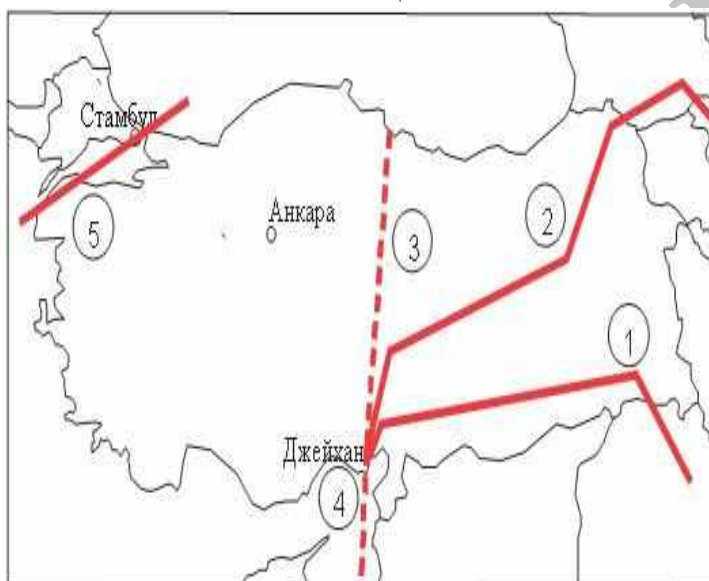
۳. «خط لوله سامسون - جیحان» که عملیات اجرایی آن از سال ۲۰۱۰ آغاز شده و ظرفیت انتقال حداکثر ۱/۵ میلیون بشکه در روز را دارد. این طرح، نفت روسیه را از راه دریای سیاه به

ترکیه منتقل می‌کند و از آنجا به سواحل دریای مدیترانه می‌رساند. ساختن این خط لوله، رفت و آمد تانکرها از بسفر را به حداقل رسانده و سبب کاهش حوادث احتمالی و در پی آن کاهش آسیب‌های جدی به محیط زیست می‌شود.

۴. «خط لوله جیحان - حیفا» که هنوز ساخت آن به اتمام نرسیده است.

۵. «مسیر تنگه بسفر و داردانل» که ظرفیت انتقال حدود ۳ میلیون بشکه نفت را در روز دارد.

مسیرهای مهم انتقال نفت در ترکیه



(Саргис, 2009, с.19)

- مسیرهای مهم انتقال گاز در ترکیه

۱. «خط لوله تبریز - آنکارا» که از سال ۲۰۰۱ به بهره‌برداری رسیده و ظرفیت انتقال ۷/۵ میلیارد مترمکعب گاز در سال را دارد. انتقال گاز از این خط لوله در سال‌های اخیر با مشکلاتی روبرو بوده است. افزون بر مشکلات فنی و چند انفجار در مسیر خط لوله، بحث بر سر قیمت گاز صادراتی ایران به ترکیه نیز همواره چالش‌انگیز بوده است.

۲. «خط لوله جریان آبی» که از سال ۲۰۰۵ به بهره‌برداری رسیده است و سالانه ظرفیت انتقال ۱۶ میلیارد مترمکعب گاز را دارد. در حال حاضر مهم‌ترین بخش گاز صادراتی روسیه به ترکیه از راه همین خط لوله انتقال می‌یابد.

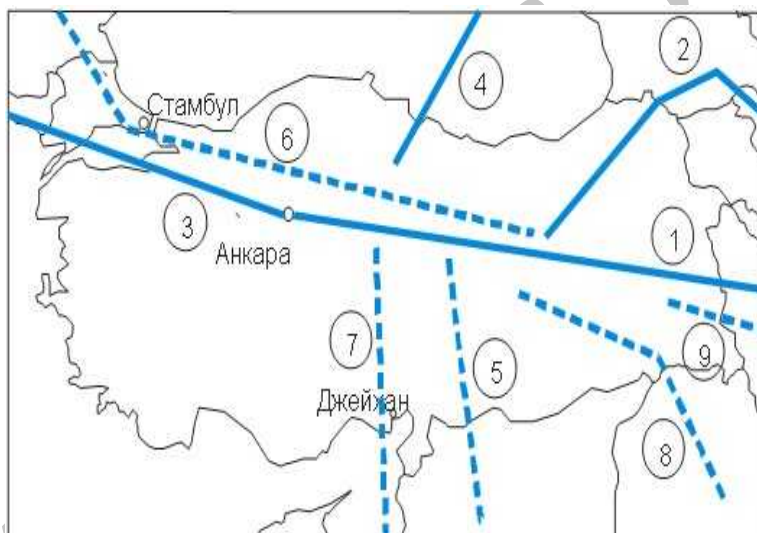
۳. «خط لوله باکو - تفلیس - ارزروم» که از سال ۲۰۰۶ ساخته شد و حداکثر ظرفیت انتقال ۸ میلیارد مترمکعب گاز را در سال دارد. در سال‌های گذشته بارها انتقال گاز از این خط لوله به دلیل کاهش تولید گاز جمهوری آذربایجان در حوزه «شاه‌دیز» متوقف شده است.
۴. «خط لوله گاز طبیعی ترکیه - یونان» که از سال ۲۰۰۶ با ظرفیت ۱۱/۵ میلیارد مترمکعب ساخته شده است. ترکیه از خط لوله باکو - تفلیس - ارزروم روزانه ۱۰ الی ۱۴ میلیون مترمکعب گاز دریافت می‌کرد که ۲۵۰ هزار مترمکعب از آن به یونان صادر می‌شد.
۵. «خط لوله گاز عرب» که قرار بود در سال ۲۰۱۱ آماده بهره‌برداری شود، اما هنوز به سرانجامی نرسیده است. راه‌اندازی این طرح با توجه به ناآرامی‌ها در خاورمیانه، در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.
۶. «خط لوله نابوکو» که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ آماده انتقال ۳۱ میلیارد مترمکعب گاز شود. این خط لوله قرار است حجم قابل توجهی از گاز دریای خزر را از راه ترکیه به اروپا انتقال دهد. هدف اصلی اروپا از طراحی و پشتیبانی این طرح، کنار گذاشتن روسیه و یافتن راه‌های جدید برای تأمین انرژی خود است. با این حال خط لوله نابوکو با چند مشکل اساسی روبرو است. نخست، شرکت کنندگان در کنسرسیوم نابوکو هنوز نتوانسته‌اند ضمانت عرضه گاز را از کشورهای حاشیه خزر دریافت کنند و بدون آن نیز نمی‌توانند سرمایه لازم را برای ساخت خط لوله جذب کنند. دومین مشکل به توافق‌نامه‌هایی باز می‌گردد که مسکو با کشورهای منطقه جهت خرید و صدور انرژی آنها بسته است. ضمن آنکه به نظر می‌رسد در آینده نیز روس‌ها با بستن توافق‌های جدید با کشورهایی مانند جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، همچنان حاکمیت انحصاری خود را بر حوزه انرژی اروپا حفظ کنند. سومین چالش مهم در راه تحقق نابوکو، به روابط خاص غرب با ایران باز می‌گردد که اروپایی‌ها را از دومین دارنده ذخایر گازی دنیا و مهم‌ترین منبع گاز خاورمیانه محروم ساخته است.
- از این رو مشکل اصلی نابوکو نبود منابع گازی کافی است؛ زیرا در حال حاضر، ترکمنستان تمام گاز صادراتی خویش را به روسیه انتقال می‌دهد و آذربایجان نیز به تنهایی قادر به تأمین گاز خط لوله نابوکو نخواهد بود. چهارمین مشکل اینکه نابوکو موازی خط لوله جریان جنوبی است که از سوی روسیه طراحی شده است

۷. «خط لوله ترکیه - اسرائیل» که به علت تیرگی روابط آنکارا و تل آویو، در مرحله گفت و گو متوقف مانده است.

۸. «خط لوله عراق - ترکیه» که هنوز گفت و گوهای آن به نتیجه‌ای نرسیده است. با توجه به آنکه این خط لوله باید از مناطق کردنشین عبور کند، بنابراین توافق درباره آن حداقل در آینده نزدیک، غیرعملی به نظر می‌رسد.

۹. «خط لوله عسلویه - بازرگان» که گفت و گوهای مربوط به آن در جریان است، اما با توجه به افزایش تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی بر ایران، توافق و اجرایی شدن آن دست کم در آینده نزدیک ناممکن است.

مسیرهای مهم انتقال گاز در ترکیه



(Саргис, 2009, с. 20)

در مجموع، بررسی مهم‌ترین خطوط لوله نفت و گاز ترکیه نشان می‌دهند که در عمل نه تنها روسیه مهم‌ترین شریک انرژی ترکیه است، بلکه طرح‌هایی که مسکو و آنکارا به صورت مشترک در آنها حضور داشته‌اند، - بر خلاف سایر طرح‌ها - به سرانجام مشخصی رسیده‌اند. در حال حاضر خط لوله «جریان آبی» از مسیر روسیه به ترکیه و از بستر دریای سیاه عبور می‌کند و انتظار می‌رود که خط لوله جدید موسوم به «جریان آبی ۲» نیز ظرفیت انتقال سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز را داشته باشد. این خط لوله قرار است

گاز روسیه را به منطقه خاورمیانه انتقال دهد. همچنین دو کشور در دسامبر ۲۰۱۱ به توافقی در مورد خط لوله جریان جنوبی دست یافتند.

این خط لوله که قرار است در سال ۲۰۱۵ به بهره برداری برسد، می‌تواند ۶۳ میلیارد مترمکعب گاز روسیه را از راه دریای سیاه (منطقه اقتصادی انحصاری ترکیه) به مرکز و جنوب اروپا (منطقه بالکان و کشورهای دیگر اروپا، از جمله بلغارستان، سیبری، مجارستان، ایتالیا و یونان) منتقل کند. بر این اساس روسیه در راهبرد انرژی ترکیه دست کم از سه جهت اهمیت دارد. نخست، بخش مهمی از انرژی ترکیه، از راه روسیه تأمین می‌شود. این در حالی است که هم‌زمان با سرعت رشد تولیدات صنعتی در ترکیه، استفاده این کشور از انرژی نیز افزایش یافته است. از این رو در شرایطی که تقاضای انرژی در این کشور به سرعت در حال رشد است، روسیه به‌عنوان یکی از بزرگترین قدرت‌های انرژی می‌تواند نقش مهمی در تأمین نفت و گاز مورد نیاز ترکیه داشته باشد.

دوم، ترکیه مایل است به‌عنوان واسطه صادرات گاز و نفت روسیه و منطقه خزر به اروپا عمل کند. هدف آنکارا تبدیل شدن به کانون اصلی حمل و نقل بین مناطق تولید کننده گاز و نفت و بازارهای اروپا است. اگر این راهبرد ترکیه به سرانجام برسد، آنگاه ترکیه می‌تواند به حلقه ای حیاتی در مجرای انرژی تبدیل شود که منطقه دریای خزر را به اروپا متصل می‌کند. چنین امری بدون همکاری با روسیه، امکان‌پذیر نیست.

سومین دلیلی که سبب اهمیت روسیه برای ترکیه در حوزه انرژی شده است، رویکرد ترکیه به موضوع انرژی هسته‌ای است. براین اساس ترکیه قصد دارد در آینده ۵ نیروگاه هسته‌ای بسازد و باوجود آنکه تلاش کرده اطمینان آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای آسیایی مانند ژاپن و کره را برای حضور در طرح‌های هسته‌ای خود جلب کند، با این حال هیچ یک از شرکت‌های هسته‌ای غربی آماده همکاری و انتقال فن‌آوری‌های مربوطه به این کشور نیستند. در این میان فقط روسیه برای ساخت اولین نیروگاه هسته‌ای در ترکیه پیش قدم شده است (Вайц, 2011).

در این زمینه، دو کشور در سال ۲۰۱۰ توافق‌نامه ۲۰ میلیارد دلاری امضا کردند که براساس آن روسیه باید یک نیروگاه هسته‌ای در خاک ترکیه بسازد. قرار است کنسرسیومی

به ریاست شرکت دولتی روسی «اتم استروی اکسپورت»^۱، یک نیروگاه اتمی ۴٫۸ گیگاواتی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار در آق قویو^۲، شهر ساحلی ترکیه احداث و راه اندازی کند. نیروگاه آق قویو اولین نیروگاه اتمی ترکیه و بزرگترین نیروگاه در جهان خواهد بود (Larrabee, 2011, p.111). افزون بر این، ترکیه قصد دارد سوخت هسته‌ای اولین نیروگاه اتمی خود را نیز از روسیه خریداری کند. این عوامل سبب تعمیق همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دو کشور نیز شده و تأثیر زیادی بر افکار عمومی مردم ترکیه داشته است.

نتیجه

از نظر ترکیه روسیه کشوری است که قدرت نظامی و جذابیت‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه انرژی دارد و با عضویت در شورای امنیت و گروه ۸ تأثیر بسیار زیادی بر تحولات جهانی دارد. از نظر روسیه، جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه ترکیه که بهترین راه دستیابی روسیه به آب‌های گرم است، همواره نگرانی نزدیکی و یا گذر از ترکیه بوده است. بر این اساس روسیه و ترکیه در سال‌های گذشته به باز تعریف سیاست‌ها و راهبردهای خود در روابط دوجانبه پرداخته‌اند. همچنین هر دو کشور مصمم هستند نگاه امنیتی و منفی حاکم بر روابط گذشته خود را به نگرشی مسالمت‌جویانه تبدیل کنند. در میان عواملی که سبب شکل‌گیری چنین گرایشی شده است، می‌توان به جهت‌گیری نخبگان حاکم و دیوان سالاری دولتی در هر دو کشور، افزایش مبادلات اقتصادی، الزام‌های ژئوپلیتیکی، همکاری‌های منطقه‌ای و عامل بین‌المللی اشاره کرد.

در این میان بخش مهمی از گسترش روابط میان دو کشور به دلیل الزام‌های ژئوپلیتیکی و همکاری در حوزه انرژی بوده است. با توجه به اینکه انرژی به‌شکلی فزاینده، در سیاست خارجی و امنیت ملی هر دو کشور نقش مهمی ایفا می‌کند، تأثیر بسیار مهمی بر روابط روسیه و ترکیه دارد. مسئله امنیت انرژی سبب شده که روسیه و ترکیه برای حل و فصل مناقشه‌های منطقه‌ای به همکاری با یکدیگر بپردازند و عامل غرب نسبت به گذشته تأثیر کمتری بر روابط ترکیه و روسیه داشته باشد. از آنجا که عواملی چون جهت‌گیری نخبگان حاکم و دیوان سالاری دولتی در هر دو کشور، نقش مثبتی در گسترش روابط دو کشور ایفا کرده‌اند. به‌همین دلیل نیز چشم انداز همکاری‌های دو طرف، بستگی زیادی به پویایی توسعه سیاسی، نخبگان

1. Atom Story Export
2. Akkuyu

حاکم و دیوان سالارها دو کشور دارد. از این رو در شرایط فعلی به نظر می‌رسد دو کشور در درازمدت، ضمن حفظ و گسترش روابط دو جانبه در سطح بالا، به سوی ایجاد وابستگی متقابل بر اساس هدف‌های مشترک حرکت کنند.

منابع

الف- فارسی

۱. بهمن، شعیب (۱۳۹۰)، «گازپروم و رؤیای تسخیر بازارهای جهانی انرژی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۵، صص ۲۰-۱.
۲. تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۸)، «بررسی سیاست‌های ناتو در منطقه اوراسیا»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۳-۴۳.
۳. کرمی، جهانگیر و زینب نجفی (۱۳۹۰)، «همکاری‌های روسیه و ترکیه: هدف‌ها، گستره و چشم اندازها»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۹، صص ۱۱۷-۵۹.
۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷)، «امنیت آسیای جنوب باختری در ژئوپلیتیک قرن ۲۱»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۲۲-۱۰۳.

ب- انگلیسی

1. Aras, Bulent, (2009), **Turkey and the Russian Federation: An Emerging Multidimensional Partnership**, Seta Foundation, USA, and Washington.
2. Aras, Bulent, (2010), "From Cooperation to Integration in the Middle East", **Sabah Online**, OSC Document.
3. Korepin, Serge, (2011), "Turkey and Russia: A New Friendship, Center for Strategic and International Studies", Available at: <http://csis.org/blog>, (Accessed on: 11/10/ 2012).
4. Larrabee F, Stephen, (2009), "Turkey, Russia and Regional Energy Strategies", **the Brookings Institutions**, Washington, D.C.
5. Larrabee F, Stephen, (2011), "Turkey's Eurasian Agenda", **the Washington Quarterly**, Vol. 34, No.1, pp. 103-120.
6. Meral, Ziya and Paris, Jonathan, (2010), "Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity", **the Washington Quarterly**, Vol. 33, No. 4, pp. 75-86.
7. Today's Zaman, (2009), "Erdoğan to Visit Russia Next Month", Available at: <http://www.todayszaman.com/newsDetail>, (Accessed on: 11/10/ 2012).
8. Today's Zaman, (2011), "Turkey, Russia Eye Increased Cooperation in Business", Available at: <http://www.todayszaman.com/newsDetail>, (Accessed on: 11/10/ 2012).

ج- روسی

1. Вайц, Ричард, (2011), Россия-Турция: баланс взаимной выгоды, Центра военно-политического анализа в Гудзоновском институте (Hudson институт).
2. РИА,Новости(2010), "Турция завершает подготовку к заключению договора о строительстве АЭС", Available at: www.ria.ru/economy, (Accessed on: 11/10/2012).
3. РИА,Новости(2011), "Межгосударственные отношения между Россией и ТурциейСправка", Available at: www.ria.ru/spravka, (Accessed on: 11/10/2012).
4. Трутнев, Юрий (2012), "Запасы нефти и газа в России в 2011 году увеличились, Журнал России и международные отношения", № 12, весна.

Archive of SID